



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳
دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات
<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

بینامتنیت قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه‌حسین

علی سلیمی^{۱*}؛ پژمان ظفری^۲

^{۱*} استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۲ آذر ۱۳۹۹

پذیرش نهایی:

۴ اسفند ۱۳۹۹

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، طه‌حسین، الایام،

اثرپذیری، بینامتنیت، اسلوب.

چکیده

طه‌حسین نویسنده معاصر مصری، در احیای نثر عربی قدیم و پیوند دادن آن با ادب معاصر عربی نقشی برجسته ایفا نموده است. آگاهی گسترده او از میراث قدیم و به ویژه حفظ قرآن کریم در دوران کودکی، نقش به سزایی در شکل‌گیری شیوه ادبی او داشته است. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی، بینامتنیت قرآنی در واژگان، ترکیبات، اسلوب و موسیقی کتاب «الایام» (آن روزها) اثر طه‌حسین را واکاوی نموده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با تمام شیوه‌های بیانی متنوعش، بر سبک ادبی کتاب الایام طه‌حسین سایه افکنده است. اثرپذیری او از اسلوب و قالب‌های قرآنی، ابعاد گسترده‌ای دارد: استفاده از ساختارهای ترکیبی قرآن، کاربرد چندین اسلوب قرآنی در عبارات، به‌کارگیری واژگان و اصطلاحات قرآنی و اثرپذیری از فواصل موسیقایی آیات در پایان جملات، از جمله آن‌هاست. هنر او در این است که با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای نو و سهل و ممتنع در نگارش نثر معاصر عربی پدید آورده است. او توانست است با اقتباس از سبک قرآن کریم برخی از ساختارهای نحوی-زبانی را احیا نماید، ساختارهایی که نویسندگان معاصر عرب به کلی آن‌ها را به دست فراموشی سپرده‌اند.

^۰ نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: zafari6262@gmail.com ; salimi1390@yahoo.com

استنادی به مقاله:

سلیمی، علی؛ ظفری، پژمان (۱۴۰۰). بینامتنیت قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه‌حسین، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال ششم، شماره اول

(پیاپی ۹)، صص ۶۵-۷۸.



Doi:10.52547/koran.6.1.65

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله

قرآن کریم با زیبایی‌های ساختاری و محتوایش، از همان اوائل نزول، توانست دل‌ها را به سوی خود جذب نماید و تأثیر قابل توجهی در زمینه‌های فکری، فرهنگی و ادبی در جامعه به وجود آورد و «زبان عربی را توسعه ببخشد و آن را به مقام شیوایی و بیانی برساند.» (الفخوری، ۲۰۰۵، ۱: ۳۳۳) از جمله عرصه‌هایی که همواره قرآن کریم در آن حضوری مقتدرانه داشته، ادبیات است. چرا که قرآن با اعجاز بلاغی و ادبی خود توانسته، ادیبان و شاعران را به سوی گنجینه بی‌پایان اسالیب و مضامین خود بکشد. نویسندگان و ادیبان زیادی چه در گذشته و چه در دوره معاصر از اسالیب و مضامین قرآن تأثیر پذیرفته‌اند و امروزه پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های «تناصر قرآنی» یا بینامتنیت شاعران و ادیبان از قرآن صورت گرفته است. ویژگی عمده این مطالب، تحلیل و بررسی اقتباس‌های مستقیم و رایج از آیات قرآنی در آثار شاعران و نویسندگان است. اما آن چه کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اثرپذیری از ساختار و اسلوب قرآنی است که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و هنری‌تر از اقتباس‌های ساده از قرآن کریم است.

طه حسین^۱ نویسنده توانای معاصر عرب، انس و مصاحبت عمیقی با قرآن کریم داشت، چنان که خود در کتاب الأيام می‌گوید: «و لم یبلغ التاسعة من عمره حتی قد وعی من الأغانی و التعدید و القصص... و حفظ إلى ذلك كله القرآن؟» (حسین، ۱۱۱۹: ۳۱ / ۱) (هنوز به سن نه سالگی نرسیده بود که ترانه‌ها، اعداد، داستان‌ها... و در کنار تمام اینها، قرآن را نیز حفظ کرد). از این رو به وفور از اسلوب و ساختار قرآن در مجموعه کتاب‌هایش بهره گرفته است. از آنجایی که بررسی تمام آثار او، مجالس بس و وسیع‌تر از این مقاله می‌طلبد، در این پژوهش، تنها به بررسی اثرپذیری از اسلوب قرآن در سه مجلد کتاب «الأيام» بسنده شده است.

همان‌طور که بیان شد اثرپذیری وی از قرآن به گونه دیگر ادیبان و نویسندگان، اقتباس‌های مستقیم و رایج نیست. زیرا اگر چنین باشد نمی‌توان اسلوب طه‌حسین را از دیگر ادیبان متأثر از قرآن، جدا نمود. این مسأله در نزد وی بسی مهم‌تر و هنری‌تر از دیگران تجلی یافته است. بدین معنا که او اسلوب قرآنی را به شکلی هنری، با سبک نگارش خود به هم آمیخته و با آن، ظرفیتی جدید برای خلق نثر ادبی معاصر عربی آفریده است که در نوع خود، بهترین، عمیق‌ترین و هنری‌ترین اسلوب^۲ در تناسف قرآنی به شمار می‌رود. او چنان آمیختگی میان آیات قرآن و اسلوب بیانی خود ایجاد می‌کند که به سختی می‌توان عنصر تضمین آیات را در آن متن تشخیص داد. این خلاقیت اسلوبی موجب شده که خواننده میان اقتباس‌های قرآنی وی و بیان مفاهیم عادی نثر او، هیچ‌گونه گسستگی و ناموزونی احساس نکند. نکته قابل تأمل این است که قدرت اثرگذاری بی‌نظیر قرآن با تمام ویژگی‌های ساختاری و موسیقایی آن بر سبک متن او سایه افکنده است، به طوری که می‌توان ادعا کرد ویژگی اسلوب «سهل و ممتنع» او، ناشی از اثرگذاری اسالیب اعجاز‌آمیز قرآن است.

مظاهر اثرپذیری وی از قرآن جوانب متعددی دارد. گاهی عبارات و اسالیب قرآنی را برای معنای مورد نظرش همراه با تغییراتی به کار می‌برد. گاهی چندین اسلوب قرآن را یک‌جا و هم‌زمان در جملات خود می‌آمیزد. گاهی از اسالیب فواصل آیات قرآنی در انتهای جملات خود بهره می‌گیرد که همین امر، به شیوه نویسندگی وی زیبایی و جذابیت آهنگینی بخشیده است. گاهی نیز از واژگان و اصطلاحات قرآنی و اسالیب متنوع حروف آن، به گونه‌ای بهره می‌گیرد که شاید نتوان در نثر دوره معاصر همانندی برای او پیدا کرد. این مقاله بر آن است که به سؤال زیر پاسخ بدهد:

۲. نگاهی به کتاب «الایام» و ویژگی ادبی آن

کتاب «الایام»، زندگی نامه «السیره الذاتیه» طه حسین، نویسنده روشن دل مصری است که در سه بخش تدوین شده است. این کتاب به گفته خاورشناسان و صاحب نظران عرب، از اسناد مهم تاریخی دوران اخیر محسوب می‌شود که مضامین آن انعکاس دهنده عواطف و احساسات ناب انسانی است و قهرمان اصلی آن، خود طه حسین است.

بخش اول کتاب، از دوران کودکی و مشکلات نابینایی و جامعه مصر بحث می‌کند.

بخش دوم، درباره ماجراهای ورودش به دانشگاه «الازهر» و انتقادهایش از رکود علمی و ادبی این دانشگاه در آن زمان است.

در بخش سوم، درباره سفر به فرانسه و بازگشت به مصر و ازدواجش با یک فرانسوی صحبت می‌کند.

درباره سبک ادبی و داستان‌سرایی وی، سخنان زیادی از سخن‌شناسان نقل شده است که گروهی او را ادیبی توانا و از درجه اول به حساب آورده‌اند. (ادهم، ۱۹۸۵: ج ۱، ص ۲۹۸) گروهی دیگر شیوه نگارش او را منحصر به فرد دانسته و سبک وی را مدرسه‌ای مستقل در نثر به شمار آورده‌اند (همان‌جا) و عده‌ای هم اسلوب او را «سهل و ممتنع» نام نهاده‌اند (الکاشف، ۱۹۸۷: ص ۲۱۲) شوقی ضیف اسلوب او را بسیار شبیه به قدما و از جهت واژگان فخیم و سرشار از موسیقی به ویژه شبیه جاحظ می‌داند (ضیف، ۱۹۷۱: ص ۲۸۶-۲۸۷). بدرای نیز معتقد است که طه حسین از ساختار جملات و سبک نثر میراث گذشته و در صدر آن از قرآن کریم به خوبی در آثارش و به ویژه در کتاب الایام بهره گرفته است. (زهران، ص ۵۰-۵۲)

بینامتنیت اسلوبی با قرآن کریم در «الایام» چگونه متجلی شده که موجب تفاوت این اثر با دیگر آثار نثر معاصر عربی شده است؟

۱.۲. پیشینه تحقیق

امروزه تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی در زمینه «تناصر قرآن» (بینامتنیت قرآن) صورت گرفته و مقالات متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است که ویژگی عمده این پژوهش‌ها، آن است که اقتباس مستقیم و رایج و یا به گونه تلمیح شاعران یا ادیبان از آیات قرآن بررسی شده است. اما پژوهش در زمینه اثرپذیری اسلوبی از قرآن یا به دیگر عبارت، «بینامتنیت سبکی» که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و اثرگذارتر از نوع اولی است، آن‌چنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است و با جستجوهای صورت گرفته، موردی که در این باره به دست آمده، «سبک‌شناسی بینامتنی قرآنی در اشعار تازی سعدی» (۱۳۹۲) از نصرالله شاملی است.

صاحب نظران و ناقدان معاصر از زوایای گوناگونی اسلوب ادبی طه حسین را مورد بررسی و کندوکاش قرار داده‌اند؛ اما اثرپذیری وی از اسلوب قرآن، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است که برخی از ناقدان ادب عربی از جمله «بدرای زهران» به صورتی بسیار گذارا به پاره‌ای از این اثرپذیری در کتاب «اسلوب طه حسین فی ضوء الدرس اللغوی الحدیث» اشاره کرده است. (زهران، ۱۱۱۹: ۵۰-۵۲) این پژوهش، بینامتنیت اسلوبی را در کتاب الایام واکاوی نموده است.

طه حسین در این کتاب برای تزیین متون ادبی خود، تنها به تکرار الفاظ و عبارات قرآن کریم اکتفا ننموده، بلکه به بالاترین سطح بینامتنیت، یعنی بهره‌گیری از معنا و سبک آیات قرآن کریم در بافتی جدید و فضایی نو پرداخته است.

۳. اثرپذیری طه‌حسین از اسلوب قرآنی در کتاب

«الایام»

تأثیر اسلوب قرآن در ساختار نگارش کتاب «الایام»، به قدری پررنگ و برجسته است که آن را به گونه‌ای منحصر به فرد از نثر معاصر عربی تبدیل نموده است. با تأکید می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های مهم اسلوب طه‌حسین در این کتاب، اثرپذیری اسلوبی و ساختاری از قرآن کریم است. این ویژگی به این میزان و با این خلاقیت هنری به ندرت در آثار نویسندگان معاصر دیگر یافت می‌شود.

۳.۱. اثرپذیری از اسلوب‌های ترکیبی بلند قرآن

کریم

طه‌حسین در سبک نگارش کتاب «الایام»، به گونه‌ای زیبا و دلربا، از ساختار جملات بلند قرآن، در فضا و سیاقی که اراده کرده، استفاده نموده است. به عنوان مثال در عبارت ساده زیر که درباره بی‌اعتمادی و عدم اطمینانش به مردم سخن می‌گوید، این مضمون را در قالب اسلوبی قرآنی چنین بیان می‌کند: «قَدْ ضَرَبَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ الْأَشْيَاءِ حِجَابٌ ظَاهِرُهُ الرِّضَا وَ الْأَمْنُ وَ بَاطِنُهُ مِنْ قِبَلِهِ السُّخْطُ وَ الْخَوْفُ.» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۱۳)

این ساختار، در قرآن کریم، در بیان موضوعی بسیار مهم در روز قیامت، یعنی حد فاصل و مانعی که میان مؤمنان و کافران ایجاد می‌شود، به کار رفته است. باطن آن که در جهت مؤمنان است بهشت، و ظاهر آن که در جهت کافران قرار دارد، عذاب و خشم الهی است: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ.» (الحديد: ۱۳)

او در جای دیگری از تلاش خود در راه تحصیل سخن می‌گوید و از اینکه تا آن هنگام، این تلاش‌ها فایده‌ای مادی در بر نداشته، گلایه‌مند است. وی از اینکه سربار دیگران شده، ناراحت و اندوهگین است: «وَإِلَىٰ أَنْ يُصْبِحَ آخِرَ الْأَمْرِ كَلًّا عَلَىٰ أَسْرَتِهِ أَيْنَمَا تَوَجَّهْ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۷۲)

در قرآن کریم، خداوند در بیان هدایت و گمراهی، دو نمونه انسان را مثل زده است. یکی از آن‌ها گنگ و لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید. او سربار صاحبش شده، هر جا که او را می‌فرستد، خیری به همراه نمی‌آورد اما دیگری، انسانی توانمند است که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است:

«وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجَّهْ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ» (نحل: ۷۶)

در نمونه زیر، شباهت ساختاری از قرآن کریم مشاهده می‌شود. هرچند از اقتباس واژگانی، اثری دیده نمی‌شود: «كَانَ شَاخِبَ اللَّوْنِ مُهْمَلِ الرَّيِّ، أَقْرَبَ إِلَى الْفَقْرِ مِنْهُ إِلَى الْغِنَى.» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۱۴۸)

او در جای دیگری از همین اسلوب زیبا استفاده کرده است: «فَقَدْ كَانَ يَتَحَدَّثُ فِي صَوْتِ هُوَ إِلَى الْحُقُوقِ، أَقْرَبَ مِنْهُ إِلَى الْجَهْرِ.» (همان، ج ۲: ص ۵۶)

اسلوب بیانی فوق که برگرفته از قرآن کریم است و در نثر معاصر عربی به کلی به دست فراموشی سپرده شده، توسط طه‌حسین، با الهام از این آیه شریفه احیا شده است: «هُمْ لِلْكَافِرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ.» (آل عمران: ۱۶۷)

او در جای دیگری، مقصود و توصیه استادش را این گونه در قالب ساختار قرآنی بیان می‌کند: «لَا تَحْضُرْهُ مِنْ عَامِكَ هَذَا فَإِنَّ الْقَوْمَ يَأْتِمِرُونَ بِكَ لَيْسَقُطُوكَ.» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳: ص ۱۳)

لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ لِيُقِيمُوا أَوْدَهُمْ وَ يَسْتُرُوا جَسْمَهُمْ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۰۰) که الهام از آیه زیر است که در آن، بحث فقیرانی مطرح است که چیزی ندارند تا در راه خدا انفاق کنند: «وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ» (التوبة: ۹۱)

او در جای دیگر، درباره دو تن از دوستانش که وی را وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافشان قرار داده‌اند، می‌گوید: «وَابْتَغُوا بِي إِلَيْهِمَا الْوَسِيلَةَ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۶۶) «و ما يَمْنَعُهُ أَنْ يَبْتَغِيَ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.» (همان، ج ۳: ۴۷) این ساختار و مضمون برگرفته از آیه زیر است که مفهوم آن، تشویق مؤمنان به انجام عمل صالح است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.» (المائدة: ۳۵)

در اسلوب داستان‌نویسی طه‌حسین، نمونه‌های فراوانی از اثرپذیری ترکیبی از آیات قرآن کریم در فرایند معناسازی یافت می‌شود که نمونه برجسته دیگری را می‌توان در عبارت زیر مشاهده نمود:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ حَرِيصًا عَلَيَّ أَنْ لَا تَبْطُلَ صَلَاتُهُ فَلْيَتَّبِعْنِي.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۸۳) این جمله برگرفته از آیه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (البقرة: ۱۸۴) است.

او در جای دیگر، به شکلی ترکیبی از سیاق، واژگان و اسلوب قرآنی استفاده کرده است: «قَدِمَ إِلَيْهِمْ مِنْ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ مَا لَمْ يَكُنْ لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۴۰) با اندک تأملی در این ساختار، موجی از واژگان و ساختار قرآن نمایان می‌شود. چرا که در ابتدا واژه «طَيِّبَاتِ» که به صورت جمع آورده شده، واژه قرآنی است: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (البقرة: ۵۷) و عبارت «لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ» نیز برگرفته از اسلوب آیه: «وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (الاعراف: ۱۰۲) می‌باشد. بدیهی است که طه‌حسین با ذوق

سیاق، مضمون و اسلوب بیانی جمله، الهام گرفته از قرآن کریم است، آن جا که درباره مردی سخن می‌گوید که خبر توطئه برای کشتن حضرت موسی از طرف قوم فرعون را به او رساند: «قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ» (قصص: ۲۰)

او در جای دیگر، درباره مشکلات نگاشتن کار پایان‌نامه‌اش چنین می‌گوید: «ذَلِكَ الَّذِي أَزْهَقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۳۰) که برگرفته از اسلوب سخن گفتن حضرت موسی با خضر (ع) است. طه‌حسین در این جا، با الهام از قرآن کریم، تناسبی سبکی، واژگانی و مضمونی در گفتگوی میان استاد و شاگرد را هم به خواننده القا می‌نماید و این سخن او کاملاً برگرفته از آیه شریفه «قَالَ لَا تَأْخُذْ بَمَا نَسِيتُ وَ لَا تَزْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (الکهف: ۷۳) است. او در عبارت زیر، اسلوب قرآنی را جلوی دیدگان خود قرار می‌دهد و منظورش را در قالب آن به تصویر می‌کشد: «أَتَاخُوا لَهُ أَنْ يَأْوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ مِنَ الثَّقَافَةِ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۳۷) متن قرآن چنین است: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ» (هود: ۸۰)

هنر طه‌حسین در این است که در بسیاری از تناسبات قرآنی خود، میان اسلوب، واژگان و مضمون هماهنگی پدید می‌آورد و معنی مورد نظرش را در سیاقی قرآنی، بیان می‌نماید. او در وصف بیرون رفتن دوستان از قصر و نجوای آن‌ها با هم با الهام از داستان حضرت یوسف، می‌گوید: «خَلَصَ الرَّفَاقُ بَعْدَ أَنْ خَرَجُوا مِنَ الْقَصْرِ نَجِيًّا.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۹۲) این جمله، از نجواها و مشورت‌های فرزندان یعقوب با هم، برای برگرداندن برادرشان به کنعان الهام گرفته است: «فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا» (یوسف: ۸۰)

او در جمله زیر، احوال دوستان فقیر خود را بیان می‌کند که چیزی ندارند تا با آن، نیازهایشان را برآورده کنند: «وَالَّذِينَ

آیه: «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (القارعة: ۷) اتخاذ شده است و عبارت سوم: «سَكُنْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ» برگرفته از قالب و اسلوب آیه: «قَبَدَلِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» (الاعراف: ۱۶۲) می‌باشد.

در نمونه زیر که وصف زندگی نویسنده در فرانسه است، توانمندی وی در بهره‌گیری از اسالیب متعدد قرآنی به خوبی جلوه گر است:

«كَانَ غَرِيْبًا فِي فَرَنْسَا وَ كَانَ يَرَى أَنَّ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ حَيَاةِ النَّاسِ لَيْسَ إِلَّا ظَوَاهِرَ لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا وَ كَانَتْ الطَّبِيعَةُ بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ كَلِمَةً يَسْمَعُهَا وَ لَا يَعْقِلُهَا كَأَنَّهَا أُغْلِقَ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۱۴)

در این عبارات، چهار ساختار قرآنی نمایان است:

«حياة الناس ليس إلا ظواهر» برگرفته از آیه: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (الروم: ۷) است.

عبارت: «لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا» از آیه: «إِذْ قَالَ لِأَيُّهَا يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم: ۴۲) گرفته شده است.

عبارت: «لَا يَعْقِلُهَا» و استفاده از چنین تعبیری در آیه: «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت: ۴۳) نمایان می‌شود و در نهایت، عبارت: «أُغْلِقَ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» برگرفته از آیه: «لَمَّ نَجْعَلْ لَهُمْ مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا» (الكهف: ۹۰) می‌باشد.

وی در جای دیگری، در شرح سفر خود به فرانسه، اوج توانمندی خود را در بهره‌گیری از اسلوب بیانی قرآن را نشان داده است: «يَنْظُرُ فَإِذَا هُوَ يَهَيْطُ مَعَ الْهَابِطِينَ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج

سرشار هنری خود توانسته است ساختار آیات را در هم ادغام و ترکیب کند و با آن‌ها عبارات و ترکیب‌های جدیدی را بازآفرینی کند و این امر نشان از اعجاز هنری قرآن است که چگونه ذهن و زبان ادیب را تسخیر کرده است.

او در مثال زیر که بحث امتحانات خودش را در دانشگاه به تصویر کشیده، تعبیر و ساختار قرآنی را برای بیان مقصود خود برگزیده است: «وَ جَزَتْ رِيْحُ الْإِمْتِحَانِ لَهُ رُخَاءً حَتَّى رَفَعَتْ الْجُلُوسَةَ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۲۹) که الهام از داستان حضرت سلیمان است که خداوند باد را به تسخیر او درآورده بود و به هر کجا که می‌خواست، باد به آرامی به آنجا می‌وزید: «فَسَحَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص: ۳۶)

۳.۲. هنرنامه‌ی در آمیختن چندین اسلوب قرآنی

توانایی و هنرآفرینی طه‌حسین در بهره‌گیری از ترکیب‌های بلند قرآنی، تنها به یک ترکیب خلاصه نمی‌شود؛ گاهی به طور هم زمان از چندین ساختار قرآنی در کتاب‌هایش به ویژه در کتاب «الایام» استفاده کرده است که در این جا، به طور خلاصه به چند نمونه اشاره می‌گردد:

او در متن زیر، با وام‌گیری واژگانی و اسلوبی از چندین ترکیب قرآنی، ارتباط خود با برادرش و اختلاف پدید آمده با او را به تصویر کشیده است:

«عَلَى أَنْ الْأَيَّامِ أَبَتْ إِلَّا أَنْ تَشُقَّ عَلَيْهِ وَ تُرْهِقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا، فَقَدْ كَانَ يَعْيشُ مَعَ أُخِيهِ عِيشَةً رَاضِيَةً عَلَيَّ مَا فِيهَا مِنْ قَسْوَةٍ وَ مَشَقَّةٍ... لَكِنَّهُمَا مَا يَلْبِثَانِ أَنْ اخْتَلَفَا... يَسْكُنُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ص ۸۲)

متن فوق، آمیختگی از سه اسلوب مختلف قرآن است. در ابتدا عبارت: «تُرْهِقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» برگرفته از آیه: «وَ لَا تُرْهِقُنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (الكهف: ۷۳) است و عبارت: «عِيشَةً رَاضِيَةً» از

در عبارت‌های زیر، به روشنی می‌توان هنرنمایی نویسنده در استفاده از واژگان، اسلوب و موسیقی قرآنی را مشاهده نمود:

- «بَعْدَ أَنْ مَضَىٰ عَلَيَّ وَصُولُ الْأُسْرَةِ وَقْتُ غَيْرِ قَصِيرٍ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۷۸)

- «كَانَ مَرُودًا بِمَقْدَارٍ مِنَ الشَّقَاءِ غَيْرِ قَلِيلٍ» (همان، ج ۳: ۹۹)

- «وَمَا كَانَ يَغْلِيهِ النَّوْمُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان، ج ۱: ۹)

- «أَسْرَعَتِ الْأُسْرَةَ إِلَيَّ طَعَامِهَا وَلَمْ تُصِبْ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان)

- «يَصُوبُ عَلَيْهِمْ هَرَاءٌ هَذَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (همان، ج ۲: ۴۶)

در ساختار و واژگان جملات مذکور، ذهن نویسنده که سرشار از محفوظات قرآنی بوده، از آیات زیر الهام گرفته است:

«وَأَزَلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَمَتِّعِينَ غَيْرِ بَعِيدٍ» (ق: ۳۱) «فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ» (النمل: ۲۲) «عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرِ بَسِيرٍ» (المدثر: ۱۰) «وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء: ۱۴۲)

او علاوه بر به کار بردن واژگان قرآنی، با تکرار صفات در جملات پایانی متن خود، یک نوع آهنگ و موسیقی در نثر معاصر عربی خلق نموده است: «أَلَسْتَ تَرَىٰ فِيهَا حَلَّ بَشِيخِنَا طُلْمًا وَعُدْوَانًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۵۲) این شیوه بیانی ملهم از قرآن کریم است: «فَقَدْ جَاؤُوا طُلْمًا وَرُؤْرًا» (الفرقان: ۴) و «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَطُلْمًا» (النساء: ۳۰)

او در جای دیگری در وصف تواضع خود در برابر استادانش می‌گوید: «فَيَمْتَلِي لَهَا قَلْبُهُ رَهْبًا وَرَعْبًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۹) خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَدْعُونَ رَعْبًا وَرَهْبًا» (انبیاء: ۹۰)

۳: ۱۳۳) در این جا، ابتدا واژگان خود را از کلمات آیه زیر انتخاب کرده است:

«وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ» (البقرة: ۳۶) از لحاظ ساختار جمله، از اسلوب «اذا» فجائیه در قرآن کریم و از سبک آیه: «وَأَوْكَعُوا مَعَ الزَّاكِعِينَ» (البقرة: ۴۳) استفاده کرده است.

۳.۳. اثرپذیری اسلوبی از فواصل آیات

طه حسین در اسلوب داستان‌نویسی خود، از قرآن کریم به شکل‌های مختلف و متنوعی بهره گرفته است. یکی دیگر از ابعاد اثرپذیری وی، بهره‌گیری از فواصل موسیقایی قرآن است که اسلوب داستانی وی را بیش از پیش، پویا و آهنگین ساخته است. به عبارتی دیگر طه حسین نه تنها در قلب متون داستانی خویش، از اسلوب قرآن استفاده می‌کند؛ بلکه در پایان عبارات خود نیز از فواصل و ساختار پایانی آیات بهره می‌گیرد. او در بسیاری از موارد، برای ختم جملات خود از فواصل آیات استفاده کرده است. در این جا به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها اکتفا می‌گردد. او در متن زیر، در شرح گفتگوی خود با مادرش، با استفاده از اسلوب و واژگان داستان حضرت موسی در قرآن کریم می‌گوید: «حِينَ سَمِعْتُ أُمِّي تُنَادِينِي، فَالْتَفَتُّ فَإِذَا هِيَ قَائِمَةٌ تَسْعَى» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱، ص ۹۵) که در داستان حضرت موسی و عصای او که تبدیل به ماری شتابان شد، آمده است: «فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى» (طه: ۲۰).

او در جای دیگر، در وصف شرم و حیای خود، به هنگام خوردن غذا می‌گوید: «فَلَا يَزِيدُهُ ذَلِكَ إِلَّا اضْطِرَابًا وَاخْتِلَاطًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۵۱) این شیوه بیان، ملهم از آیه زیر است که مضمون آن درباره شفا بخشی این کتاب آسمانی برای مؤمنان و زیان‌مندی برای کافران است: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء: ۸۲)

قرآن کریم است. وی همان طور که از ساختار جملات بلند قرآنی استفاده نموده، از اصطلاحات کوتاه و واژگان قرآنی که یک نوع آشنایی زدایی در نثر عربی معاصر به شمار می‌رود، الهام گرفته و آن‌ها را به نثر معاصر تبدیل نموده است. در این جا به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد. از ویژگی‌های شاخص نثر طه حسین که یک نوع «آرکائیسیم» (سنت‌گرایی) با اصالت است، به کارگیری برخی صیغه‌ها و واژگان قرآنی است که اکنون در میان نویسندگان معاصر رایج نیست. به عنوان مثال به کار بردن واژه مفرد «عدو» به جای «اعداء» در عبارت: «وَ اتَّخَذَهُمْ لِنَفْسِهِ عَدُوًّا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۸) متأثر از اسلوب قرآنی است که خداوند درباره بت‌ها، از زبان حضرت ابراهیم می‌فرماید: «فَأَنهَمُ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء: ۷۷) همچنین خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (الممتحنة: ۱)

او همچنین از برخی اسلوب‌های رایج در نثر معاصر آشنایی زدایی می‌کند و به تقلید از اسلوب قرآنی یک ساختار نحوی کهن را احیا می‌نماید، عبارت زیر نمونه‌ای از آن است: «كَانَتْ قِيُودُهَا شِدَادًا ثَقَالًا.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۸۹) آنچه که در وصف جمع غیرعاقل در نثر معاصر غالباً رایج و معمول است، کاربرد آن به صورت مفرد مؤنث است. مثلاً گفته می‌شود: «قیودها شدیدة ثقیلة» اما طه حسین به پیروی از اسلوب قرآنی، آن را مانند آیه مبارکه: «حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا نَقَالًا» (الاعراف: ۵۷) صفت را با جمع مکسر آورده است.

او همچنین در سبک نگارش خویش، واژگان قرآنی را بر واژگان رایج و معمول ترجیح می‌دهد: «إِنَّمَا كَانَ يَتَّخِذُ الْجِيَادَ وَالْبَعَالَ وَالْحَمِيرَ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۸۹) استفاده از واژه «حمیر» به جای واژه رایج حمار، کاملاً اثرپذیری از اسلوب قرآن را نشان می‌دهد. «وَالْحَيْلُ وَالْبَعَالُ وَالْحَمِيرُ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً.» (النحل: ۸)

از موارد دیگری که در انتهای جملات کتاب «الایام» بسیار دیده می‌شود، به کار بردن واژه «شیئا» می‌باشد که این واژه را در ساختاری مانند اسلوب قرآن کریم به کار می‌گیرد. عبارت زیر که مضمون آن، درباره یکی از استادان طه حسین است، این گونه خاتمه می‌یابد: «وَلَمْ يَفِدْ مِنْهُ شَيْئًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۳۴) که الهام از متن قرآنی است: «وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا» (الکهف: ۳۳)

در عبارات زیر، طه حسین درباره موفقیت درسی خویش سخن می‌گوید. اما آن از یک معنای قرآنی الهام گرفته است که رستگاری را ناشی از اطاعت از خداوند دانسته است: «رَعَمَ أَنَّهُ قَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۹) این عبارت ملهم از آیه شریفه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (الاحزاب: ۷۱) است.

این گونه اثرپذیری از ترکیب‌های فواصل قرآن کریم در «الایام» فراوان به کار رفته که در این جا تنها به ذکر چند نمونه دیگر از آن‌ها بسنده می‌گردد:

- «فَهُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ يُصَبُّ عَلَى الْجِسْمِ فِي الْبَيْتِ صَبًّا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۹۵) متن قرآنی: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا» (عبس: ۲۵)

- «فَيَنْقِضِي مَعَهُ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۰۴) متن قرآنی: «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبِتُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ.» (یونس: ۴۵)

- «تَتَجَنَّبُ الْإِبْدَاءَ وَ مَا وَجَدَتْ إِلَى ذَلِكِ سَبِيلًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۱) متن قرآنی: «وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا.» (نساء: ۸۸)

۳-۴. اثرپذیری از ساختار عبارات کوتاه قرآنی

ارزش هنری و ادبی اثر طه حسین، در گرو اثرپذیری‌های متنوع و گوناگون او در همه سطوح: واژگانی، اسلوبی و موسیقایی از

او در اصول نگارش خود از واژگان فخیم و محکم قرآنی فراوان بهره می‌گیرد، این امر، سبب فخامت و اصالت متون ادبی وی گردیده است: «فَبِهَتِ الْفَتَى حِينَ سَمِعَ هَذِينَ الْإِسْمِينَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۳۳) «وَيَجَنَّبُهَا الْفَتَى لِأَنَّهُمْ لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُ لُغَةً أَعْجَبِيَّةً.» (همان، ج ۳: ۴۳) عبارت‌های مذکور ملهم از آیات شریفه زیر است:

«فَبِهَتِ اللَّذِي كَفَرَ» (البقرة: ۲۵۸) و «وَيَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى.» (الأعلى: ۱۱)

با تأمل در ترکیب‌های فوق، روشن می‌شود که وی واژه مجهول «بُهت» را با همان ساخت قرآنی در مضامین خود به کار برده است، همچنین استفاده از واژه «يَجَنَّبُهَا» در متن، نمونه دیگری از اقتباس واژگانی از قرآن را نشان می‌دهد.

او در جای دیگری این چنین از واژگان قرآنی اقتباس می‌کند: «و يَأْوِنُ بِدُرُوسِهِمْ وَ طَلَابِهِمْ عَنِ الْأَزْهَرِ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۷۵) واژه «يَأْوِنُ» واژه‌ای قرآنی است که در آیه مبارکه با همان صیغه مضارع به کار رفته است: «وَهُمْ يَتَّوَنُونَ عَنَّهُ وَ يَأْوِنُونَ عَنْهُ» (الانعام: ۲۶)

از دیگر موارد اثرپذیری طه‌حسین از واژگان قرآنی، واژه «خَيْلٌ» با متعلق آن، یعنی حرف جر «إِلَى» است که به فراوانی از این ماده فعلی در متون خود استفاده کرده است. مثال زیر که درباره دوران کودکی و رفتن به مکتب خانه است، نمونه‌ای از این کاربرد است: «و هُوَ يَلْهُو بِدَلِيكَ وَ يَبْعَثُ بِهِمْ وَ يَكْتَابُهُمْ وَ يَسِيدُنَا وَ كَانَ قَدْ خَيْلٌ إِلَيْهِ أَنْ الْأَمْرَ قَدْ انْتَبَتْ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۶۳) در قرآن کریم، در داستان حضرت موسی، درباره ساحران که در برابر او با عصا و طناب به سحر پرداختند، آمده است: «قَالَ بَلِّ الْقَوْمَا فَاذَا جَاءَهُمْ وَعَصِيَّتُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى.» (طه: ۶۶)

او برخی از کلمات را در سیاق و معنایی به کار می‌برد که امروزه بسیار اندک از آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال واژه «اتَّخَذَ» به جای واژه «وَضَعَ» در این متن است: «و لَيْسَ الْفَتَى الْأَزْهَرِي ثِيَابَةَ الْجَدِيدَةِ وَ اتَّخَذَ فِي هَذَا الْيَوْمِ عِمَامَةً خَضْرَاءً.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۷۰) در این مثال، واژه «اتَّخَذَ» برای عمامه بر سر نهادن استعمال شده است در حالی که برای این معنی در نثر ادبی، غالباً از واژه «وَضَعَ» استفاده می‌شود. به عنوان مثال سُحَيْمٌ بِنُ وَثِيلِ الرَّيَاحِي یکی از شاعران قبیله بنی حَمِيرِ این گونه می‌سراید: «أَنَا ابْنُ جَلَا وَ طَلَاغُ النَّتَايَا / مَتَى أَصَحَّ الْعِمَامَةَ تَعْرِفُونِي» (من انسان مشهوری هستم و خود را به سختی‌ها می‌زنم، هر گاه کلاه جنگ را بر سر نهم، (شجاعت من را خواهید شناخت). (الصعیدی، ۲۰۰۵، ج ۱: ۱۷۸)

طه‌حسین در جای دیگر، واژه «اتَّخَذَ» را به جای «اخْتَارَ» قرار داده و گفته است: «كُلُّ ذَلِكَ لِأَنَّ الْفَتَى الْأَزْهَرِي قَدْ اتَّخَذَ فِي الْيَوْمِ خَلِيفَةً وَ مَا بِالْهُ اتَّخَذَ خَلِيفَةَ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الشَّبَانِ؟» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۷۱) این کاربرد ملهم از اسلوب قرآنی است که برای بیان معانی زیادی از واژه «اتَّخَذَ» استفاده می‌کند: «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» (التوبة: ۳۱)

او در جای‌جای متون ادبی و داستانی خود، به ویژه در کتاب «الأيام» از اصطلاحات و اسلوب قرآنی به طور زیبایی استفاده کرده است. در عبارت زیر نمونه‌ای از این اثرپذیری را مشاهده می‌کنیم:

«فَتَجِدُونَ مِنْهُ إِعْرَاضًا وَ صُمْتًا حَتَّى طُنُّوا بِهِ الطُّنُونُ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۰۰) عبارت «طُنُّوا بِهِ الطُّنُونَا» برگرفته از آیه مبارکه: «وَتَطْنُونَ بِاللَّهِ الطُّنُونَا» (الاحزاب: ۱۰) است. او در جای دیگر، در شرح موانع موجود بر سر راه آموزش و کینه برخی نسبت به دیگران می‌گوید: «وَ حَيْلٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ التَّعْلِيمِ فِي الْجَامِعَةِ أَعْوَامًا.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۲۲) «لَكِنْ بُغِضْتُمْ لِزُمَلَانِهِمْ مِنْ

از دیگر تعابیر زیبای طه‌حسین و اثرپذیری وی از قرآن، به کار بردن تعابیر «بعض یوم» یا «بعض شهر» و... در معنای نصف روز یا نصف ماه است، چنین تعبیری نیز به طور یقین برگرفته از اسلوب قرآن است: «وَقَدْ كُفُّوا عَنِ الْغَيْبَةِ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۳۳) و نیز عبارت: «لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ فِرَاقِ هَذِهِ الْبَيْتَةِ كَلِّهَا إِلَّا شَهْرٌ أَوْ بَعْضُ شَهْرٍ.» (همان، ج ۱: ۶۶) متن قرآنی چنین است: «قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (البقرة: ۲۵۹)

او در جای دیگری عبارت «سَفَرًا قَاصِدًا» را از قرآن وام گرفته و در عبارات خود به گونه زیبایی این اصطلاح بی‌مانند را به کار برده است: «وَكَانَ سَفَرًا غَيْرَ قَاصِدٍ فِيهِ كَثِيرٌ مِنْ جِهَدٍ وَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ خَطَرٍ أَيْضًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۳) که این واژه در قرآن کریم چنین به کار رفته است: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ.» (التوبة: ۴۲)

او در جای دیگر، به پیروی از قرآن، از اصطلاح «الْخَوْضُ فِي الْحَدِيثِ» استفاده می‌کند: «وَحَلًّا لِلْإِسْتَاذِ وَ تَلْمِيزِهِ ... فَخَاصَّتْ فِي بَعْضِ الْحَدِيثِ» (حسین، ۱۱۱، ج ۳: ۲۹) و هم چنین: «خَاصَّ الشَّيْخُ فِي حَدِيثِ الْجَبْرِ وَ الْإِخْتِيَارِ.» (همان: ۳۵) در آیه مبارکه چنین آمده است: هر گاه کافران آیات خدا را مورد تمسخر قرار دادند و آن را به بازیچه گرفتند، با چنین کسانی ننشینید تا آنگاه که به سخن دیگری بپردازند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ.» (النساء: ۱۴۰)

از دیگر ساختارهایی که طه‌حسین در اسلوب داستان‌نویسی خود به کار می‌گیرد، به کار بردن صیغه «یأیی» یا «إلّا» استثنائیه است که در این اسلوب نیز، از قرآن وام‌گیری نموده است: «و يَأْخُذُ الْفَتَى فِي حِوَارِ الشَّيْخِ عَلَيَّ عَادَةَ الْأَزْهَرِيِّ، فَيَسْمَعُ الشَّيْخَ لَهُ وَ يُرَدُّ عَلَيْهِ رَدًّا لَيَقْنَعُهُ، وَ يَأْيِي الْفَتَى إِلَّا اللَّجَاجَ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج

طَلَابِ الْأَزْهَرِ زَادَ أضعافًا مُضَاعَفَةً.» (همان، ج ۳: ۱۸) این عبارت‌ها برگرفته از اسلوب آیات مبارکه: «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» (سبأ: ۵۴) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل‌عمران: ۱۳۰) است.

او در نثر معاصر عربی، واژگان و اسلوب‌هایی را زنده نموده که به ندرت در متون ادبی دیده می‌شود. به عنوان مثال به کار بردن اصطلاح «رَأَى الْعَيْنَ» در عبارت زیر نمونه‌ای از آن‌هاست: «كَانَ تَلَامِيذُ الشَّيْخِ يَرَوْنَ مِنْ ذَلِكَ رَأَى الْعَيْنِ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۶۲) این مفهوم الهام گرفته از آیه شریفه: «وَأَخْرَى كَافِرَةً يَرُؤُنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ» (آل‌عمران: ۱۳) است.

او در جای دیگر، در بیان فرا رسیدن زمان اجازه گرفتن، می‌گوید: «حَتَّى أَوْشَكَتِ الْأَجَازَةُ أَنْ تَبْلُغَ أَجْلَهَا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۸۰) در قرآن کریم در وصف قیامت، از این تعبیر استفاده شده است: «وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَقَّى مِنْ قَبْلِ وَلَيْتَبَلَّغُوا أَجَلًا مُسَمًّى.» (الغافر: ۶۷)

او در موردی دیگر، در بیان طولانی شدن زمان خاطراتش، می‌گوید: «فَهُوَ يَذْكَرُهَا بَعْدَ أَنْ طَالَ عَهْدُهُ بِهَا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۱۵) در قرآن کریم نیز مدت زمان رفتن حضرت موسی به کوه طور و برگشتنش به میان قوم خود، با همین تعبیر بیان شده است. تا جایی که او با حالت تعجب، از قوم خود می‌پرسد: آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامیده است که این چنین از راه راست منحرف شده‌اید؟ «أَفَطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ.» (طه: ۸۳)

او در جای دیگر، برای بیان پاره‌ای از روز، از شیوه قرآنی بهره می‌گیرد. مضمون متن زیر مطالعه خانواده‌اش در طول شب و روز را بیان می‌کند: «فَيَعْكُفُوا عَلَيْهَا نَهَارَهُمْ وَ أَطْرَافًا مِنْ لَيْلِهِمْ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۱۷۵) مضمون آیه قرآن درباره به تسبیح‌گویی خداوند از طرف مؤمنان در پاره‌ای از روز است: «وَ مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ فَسَبَّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ.» (طه: ۱۳۰)

زیر بحث از اضافه کردن مواد درسی به مواد دروس دانشگاه الأزهر است. بدین منظور که اگر دروسی اضافه نگردد، شرح کافی که خود شارح آن بوده و بعدها دوست نداشت به او منسوب شود، به او منسوب می‌گردد: «لَئِنْ لَمْ يُضَفِّ إِلَى الْمُقَرَّرِ دَرُوساً لَيُنْسَبَنَّ إِلَيْهِ الشَّرْحُ الْكَافِي.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۳۹) متن قرآن کریم درباره ابراهیم (ع) است آنگاه که مشتاقانه در این هستی بی‌کران به دنبال شناخت خداوند سبحان بود: «قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ.» (الانعام: ۷۷)

۳.۵.۳. جملهٔ پس از «إن»

گاهی حرف إن با «اسم موصول» به گونه‌ای استعمال می‌شود که از آن می‌توان به نوع خبرش پی برد. طه حسین از این اسلوب در سبک نویسندگی خود، استفاده نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُرَاقِبُونَ تَهْرِبَ الْحَشِيثِ سَيْرَاقِبُونَ تَهْرِبَ الْأَسْلِحَةِ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۴۲) این نوع اسلوب برگرفته از اسلوب قرآنی زیر است: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.» (الغافر: ۶۰)

۳.۵.۴. «ما» نفی با «حتی»

در جای دیگری طه حسین ما نفی را با فعل «زال» و بعد از آن با حرف حتی، به کار گرفته است که برگرفته از اسلوب قرآن است. او در بیان ارتباط با مادرش می‌گوید: «فَمَا زَالَتْ بِكَ حَتَّى هَدَأَ رَوْعُكَ» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۱۴۷) در متن قرآنی، بحث هلاک نمودن امت‌های گذشته را بیان می‌کند: «فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ.» (الانبیاء: ۱)

۳.۵.۵. جملهٔ پس از «لولا»

او در موارد بسیاری از اسلوب «لولا» همراه با جوابش به شیوه ساختار قرآنی استفاده نموده است. به عنوان مثال به نمونه‌ای از

۳: ۳۵) که در قرآن کریم چنین آمده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ.» (التوبة: ۳۲)

۳.۵. اثرپذیری از اسلوب متنوع کاربرد حروف در قرآن کریم

طه حسین در نگارش داستانی خود، از اسلوب‌های متنوع قرآنی بهره برده است. نقش پررنگ حروف در پیوند ترکیب‌ها و جملات کتاب «الایام» نمونه‌ای از آن است که در این جا به برخی از این اثرپذیری اشاره می‌گردد:

۳.۵.۱. حرف «ثم»

او در عبارت زیر که مجلس خود را با جوانان به تصویر می‌کشد به تقلید از اسلوب قرآن، پی در پی از حرف ثم در عبارات خود استفاده می‌کند: «كَانَ ضَحْكُهُ غَرِيْبًا مُضْحَكًا إِنْ جَازَ هَذَا التَّعْبِيرُ فَقَدْ كَانَ يَبْدُوهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَيَضْحَكُ صَامِتًا لِحِظَةٍ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَيَمْضِي فِيهِ صَامِتًا ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ...» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۲: ۵۶)

در این متن، ملاحظه می‌شود که حرف ثم در افاده معانی که بحث آن خندیدن و سکوت است، فراوان به کار رفته است. در این مورد علاوه بر شباهت ساختاری از نظر محتوا نیز تا حدودی مانند قرآن در آوردن صفتی و سپس نفی آن، عمل نموده است. چرا که موضوع آیه، بحث ایمان آوردن و کافر شدن است و متن فوق، بحث خنده و سکوت پی‌درپی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ إِذْ دَاوُاْ كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْطِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا.» (نساء: ۱۳۷)

۳.۵.۲. «لام قسم» (لام الموطئه للقسم)

او در جای دیگری از کتاب «الایام» از ساختار لام موطئه قسم و جواب آن به مانند اسلوب قرآن استفاده کرده است. در متن

است و بافتی زیبا و متأثر از آیات، واژگان و ترکیبات قرآن کریم است. او با اثرپذیری از ساختار و اسلوب بیانی در جملات، گزینش و استعمال واژگان فخیم و محکم و به کارگیری فواصل موسیقایی آیات، نثر کهن عربی را احیا نموده و شیوه‌ای نو در نگارش نثری سهل و ممتنع با ویژگی جدید- قدیم پدید آورده است. در تزیین متون ادبی خود تنها به تکرار واژگان قرآن کریم اکتفا نکرده بلکه به والاترین سطح بینامتنیت، یعنی به کارگیری معنا در بافتی جدید و فضایی نو پرداخته است.

آن اشاره می‌کنیم. در عبارت زیر که بحث شرم و حیا را در برابر دوستان و همسرش را به تصویر کشیده، این چنین از اسلوب قرآنی لولا همراه با جواب آن پیروی کرده است:

«و لولا فَضْلُ مِنْ شِجَاعَةِ وَ اسْتِحْيَاءِ مِنَ الرَّفَاقِ وَ مِنْ رَوْجَةِ الَّتِي كَانَتْ تَشْهَدُ الْإِمْتِحَانَ وَ مِنْ سَائِرِ النَّظَارَةِ لَأَصْطَكْتَ أَسْنَانَهُ ذِعْرًا وَ هَلْعًا» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱۲۹) که در این زمینه می‌توان به آیه «و لولا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَمَسَّكُم فِي مَا أَقْضَيْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (النور: ۱۴) اشاره نمود.

او در جای دیگر، از همین اسلوب زیبا استفاده و جواب لولا را با توجه به قرینه ما قبل، حذف کرده است:

«لَقَدْ كَادَتْ تَقَعُ الْكَارِثَةُ لَوْلَا أَنْ تَوَسَّطَ الْقَطْبُ الْمُتَوَلَّى بَيْنَ النَّاسِ وَ اللَّهِ، فَصَرَفَ عَنِ النَّاسِ هَذَا الْبَلَاءَ وَ احْتَمَلَ عَنْهُمْ أَوْزَارَهُمْ.» (حسین، ۱۱۱۹، ج ۱: ۱۰۹) این اسلوب، تناصی با آیه مبارکه: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ» (یوسف: ۲۴) دارد که در آن جواب لولا با توجه به قرینه ما قبل آن، حذف شده است.

۴. نتیجه

از آن چه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

طه‌حسین با آگاهی گسترده و ژرف از میراث عربی قدیم و به ویژه با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای جذاب در پیوند متون با همدیگر در فرایند معنا سازی با استفاده از سبک آیات قرآن کریم به دست آورده است. کتاب «الایام» (آن روزها) که شرح حال زندگی آمیخته به درد و رنج خود اوست، نمونه‌ای عالی و مصداق بارز این اسلوب نویسندگی است. بینامتنیت قرآنی او محدود به اقتباس‌های ساده و تلمیح‌های عادی از قرآن کریم، چنان که غالباً متداول است، نمی‌شود. بینامتنیت قرآنی وی، بسیار متنوع، هنرمندانه و خلاق

یادداشت‌ها

۱- طه‌حسین نویسنده توانمند مصر در سال ۱۸۸۹م. در روستای عزبه از کشور مصر، دیده به جهان گشود؛ او که هفتمین فرزند خانواده‌اش بود (حسین، ۱۱۱۹، ج ۳: ۱) در سن سه سالگی قدرت بینایی‌اش را از دست داد، اما خداوند به او هوش و استعداد وافر عطا نمود و همین هوش او زبانزد خاص و عام شد. پدرش وی را طبق رسم آن روزگار به مکتب خانه فرستاد تا اصول قرائت قرآن را بیاموزد، و توانست در مدت کوتاهی تمام قرآن را حفظ کند. خودش در این باره چنین می‌گوید: «هنوز به سن نه سالگی نرسیده بودم که بسیاری از دعاها و اشعار قدیمی و سرودهای صوفیانه و تمام قرآن را حفظ نمودم.» (همان: ۲۷) در سن چهارده سالگی به فراگیری دروس دینی و زبان بیگانه پرداخت و اولین فعالیتش را با روزنامه‌نگاری آغاز کرد و از این به بعد به تحقیق و پژوهش درباره ادبیات کهن زبان عربی مشغول شد و سرانجام در سال ۱۹۱۴م. از پایان نامه دوره دکترای خود زیر عنوان «جایگاه ابوالعلاء المعری در ادبیات عرب» دفاع کرد. در آن زمان دانشگاه ملی مصر او را با هیأتی از اساتید، روانه کشور فرانسه نمود و در آنجا با ادبیات فرانسه آشنا شد. در سال ۱۹۳۶م. به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه مصر، شروع به تدریس نمود و در همین اثنا کتاب فی الشعر الجاهلی را به رشته تحریر در آورد که در آن، به جعلی بودن بسیاری از اشعار جاهلی اشاره کرده بود و سبب جنجال زیادی در کشورهای عربی شد. او مشاغل و مناصب فراوانی در کشور مصر عهده دار شد و در سال ۱۹۵۰م. وزیر آموزش و پرورش شد و سرانجام در

سال ۱۹۷۳م. دیده از جهان فرو بست (نک: طه حسین ادیب بزرگ عرب. حسن نجفی، بی تا؛ نظری، ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۳۷).

۲- اسلوب: مفهوم سبک یا اسلوب مانند بسیاری از مفاهیم دیگر مثال «وجود» بدیهی است، اما تعریف جامع و مانع آن دشوار است. به طور کلی می‌توان گفت که سبک، وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار فردی است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۴) دکتر فتوحی معتقد است، سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲) به بیانی دیگر سبک‌شناسی دانش جدیدی است که به بررسی و تحلیل اسالیب ادبی و لغوی و هم‌چنین به بررسی صورت فنی با استفاده از دلالت‌ها و معانی می‌پردازد (عیاد، ۱۹۸۱: ۱۳-۱۴) از نگاهی دیگر سبک‌شناسی به بررسی متن ادبی و زیبایی‌ها و ویژگی‌های عاطفی آن می‌پردازد که در آن به زبان اهمیت بیشتری داده می‌شود (عبدالمطلب، ۱۹۸۴: ۶؛ عیاد، ۱۹۸۱: ۱۴-۱۳) و در نهایت سبک‌شناسی یا اسلوب چیزی غیر از واژگان و ترکیب‌های بیانی است و منظور از آن راه و روشی است که نویسنده، برای بیان واژگان و ترکیب‌های کلامی خود از آن بهره می‌گیرد با این تعریف راز اختلاف شیوه‌های بیانی و کلامی میان نویسندگان از همدیگر متمایز می‌شود. (زرقانی، بی تا، ج ۲:

(۳۰۴

فهرست منابع

- قرآن کریم
- أدهم، أسماعیل أحمد (۱۹۸۵م)، **أدباء معاصرون** (جزءان)، تحقیق: أحمد إبراهيم الهواری، قاهره: دار المعارف.
- حسین طه (۱۱۱۹م)، **الأيام**، ط ۵۵، قاهره: دار المعارف.
- زرقانی، محمد علی العظیم (بی‌تا)، **مناهل القرآن فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب البنانی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، **کلیات سبک‌شناسی**، چاپ ۵، تهران: انتشارات فردوس.
- الصعیدی، عبد المتعال (۲۰۰۵م)، **بغیة الايضاح لتلخیص المفتاح فی علوم البلاغة**، ط ۱۷، مکتبه الآداب.
- ضیف، شوقی (۱۹۷۱م)، **الأدب العربی فی مصر**، ط ۴، قاهره: دار المعارف.
- الفاخوری، حنا (۲۰۰۵م)، **الجامع فی التاریخ الأدب العربی**، بیروت: دارالجليل.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: انتشارات سخن.
- الکاشف، محمدالصادق (۱۹۸۷م)، **طه حسین بصیرا**، ط ۱، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ۱۰. الکیانی، محمد سید (۱۹۶۲م)، **طه حسین الشاعر الکاتب**، الدار القومية.
- ۱۱. نظری، علی (۱۳۷۵)، «نقد و بررسی آراء و آثار انتقادی طه حسین در ادب عرب»، **مجله علمی پژوهشی مدرس**، دانشگاه تربیت مدرس، دوره دوم، شماره اول، زمستان، صص ۱۱۹-۱۳۷.

منابع اینترنتی

- نجفی، حسن (بی‌تا)، **طه حسین ادیب بزرگ عرب**، www.tebyan.net